

**دکتر مهدی مختاری:** می‌دانید نظام قوه مجریه در ایران با بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ به اصطلاح به سمت نظام ریاستی میل کرد. البته در قانون اساسی سال ۱۳۵۸ هم یک نظام مجریه نیمه‌ریاستی - نیمه پارلمانی داشتیم؛ ولی با محوریت آن بخش پارلمانی؛ بنابراین در ۱۰ سال اول اجرای قانون اساسی نقش رئیس‌جمهور خیلی برجسته نبود؛ یعنی تا حدودی مقام تشریفاتی داشت و اداره دولت بر عهده نخست‌وزیر بود؛ اما با بازنگری سال ۶۸ بیشتر به سمت نظام ریاستی حرکت کردیم؛ بنابراین نقش ریاست‌جمهور خیلی پررنگ‌تر شد و انتخاب و نحوه انتخاب ریاست‌جمهور خیلی مهم شد. شاید بتوان گفت مهم‌ترین مسئله در انتخابات، نظارت استصوابی شورای نگهبان است؛ اینکه آیا این بالاترین مقام اجرایی کشور که با رأی مستقیم مردم قرار است انتخاب بشود در عمل و واقعیت این‌طور هست یا شورای نگهبان یک دستگاه نظارتی است که در عمل کارش به اعمال سلیقه کشیده می‌شود؛ یعنی به انتخاب افرادی که خودش مناسب‌تر می‌داند می‌پردازد؛ به جای اینکه بررسی کند آیا کاندیداهای این منصب که قرار است مردم تشخیص بدهند خوب هستند یا بد، واجد شرایط ابتدایی اولیه این منصب هستند یا نه! همین طرح پیش رو یکی از نمونه‌های خیلی خوب آن است؛ یعنی در عمل دامنه صلاحیت‌های شورای نگهبان را توسعه داده است.

استحضار دارید که در همه دنیا هر کس کاندیدای یک منصب انتخابی می‌شود، باید شرایط حداقلی را داشته باشد و تردیدی در این نیست. البته شورای نگهبان هم در دفاع از عملکرد خود استناد می‌کند به اینکه کدام کشور را سراغ دارید در آن هرکسی بتواند نامزد شود؟ بله قرار نیست هر کسی کاندیدا بشود. همه نزاع بر این است که معیار رد کردن کاندیداها چیست و مقامی که این کار را انجام می‌دهد کیست؟ با چه معیاری وجود شرایط یا نبود آن را در کاندیداها می‌سنجد؟ یعنی شما اگر به این سه سؤال پاسخ دادید نشان می‌دهد که سازوکار نظارتی شما یک سازوکار دموکراتیک است یا نیست.

به‌هرحال باید حساسیت‌های زیادی برای کسی که می‌خواهد این مهم‌ترین پست اجرایی کشور را بر عهده بگیرد، وجود داشته باشد؛ یعنی

نباید اجازه داده شود که هر کس که می‌خواهد رئیس‌جمهور شود. بالاخره قانون اساسی در اصل ۱۱۵ شرایطی را در نظر گرفته است و این شرایط باید رعایت بشود؛ ولی جدا از اینکه تشخیص خوب و بد این افراد در درجه اول در یک نظام دموکراتیک بر عهده مردم است و به تجربه دیده شده است که اگر کشوری از نظام احزاب قوی برخوردار باشد، در جریان انتخاب کار برای مردم خیلی راحت‌تر می‌شود و این فرایند مورد اعتمادشان خواهد بود. برای اینکه آن حزب را از خودشان می‌دانند؛ اما اگر یک دستگاه اجرایی که تا حد زیادی هم ما می‌دانیم به‌هرحال دارای گرایش خاصی در حکومت است؛ یعنی آن برداشتی که از جمهوریت

**۹۹ باید پرسید چه اتفاقی افتاده است که مجلس احساس مسئولیت و تکلیف کرده به این موضوع ورود کند؟ قبلاً هم در چند دوره، مجلس طرح‌هایی را ناظر به اینکه معیارهای مندرج در اصل ۱۱۵ قانون اساسی را تبیین و تشریح کنیم، هم برای انتخاب‌کننده‌ها و هم برای انتخاب‌شونده‌ها، پیشنهاد داده بود. یکسری آسیب‌ها وجود داشت و اظهارنظر شورای نگهبان درباره اصل ۱۱۵ ناظر به مصوبات پیشین مجلس مطرح می‌کرد. این معضلات چه اموری بوده است؟ ۶۶**

یا آن اسلامیت دارد، نه‌تنها همه دیدگاه‌ها را در داخل نظام جمهوری اسلامی پوشش نمی‌دهد، بلکه گرایش خاص و محدودی را در بر می‌گیرد؛ موجب می‌شود نه قانون اساسی به‌درستی اجرا شود و نه آنچه مدنظر شورای نگهبان و مجموعه حکومت است یعنی شور و اشتیاق در انتخابات و حضور گسترده مردم، تحقق پیدا کند.

یکی از مواردی که معمولاً مطرح و رسانه‌ای هم می‌شود این است که می‌گویند فعلاً با وضعیت موجود هر کسی به خودش اجازه می‌دهد بیاید در انتخابات ریاست‌جمهوری ثبت‌نام کند، بعد فیلم‌های آن هم منتشر می‌شود. قوانین انتخابات باید بر مبنای اصول باشد یعنی نباید تحت تأثیر هیجانات رسانه‌ای قرار بگیرد. اگر قانون به کسی حق می‌دهد که نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری شود، این حق را دارد با هر شکلی که بخواهد بیاید

در انتخابات شرکت کند؛ اما به آن معنا نیست که این فرد نامزد ریاست‌جمهوری خواهد شد. این امر که ذکر می‌گردد در بررسی صلاحیت وقت شورای نگهبان گرفته می‌شود، به نظر این‌ها بهانه است. وقت شورای نگهبان در بررسی کاندیداهای انتخابات مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی که خیلی بیشتر گرفته می‌شود. الآن صحبت این است که احتمالاً حتی انتخابات شوراها هم به عهده شورای نگهبان قرار گیرد. چطور است که آنجا هزاران نامزد را بررسی می‌کنند. این‌ها هزینه‌های یک نظام دموکراتیک است؛ یعنی باید مردم ببینند هر شهروند ایرانی حق دارد بخت خود را برای مراسم انتخاباتی امتحان کند.

**دکتر حسن امجدیان:** باید پرسید چه اتفاقی افتاده است که مجلس احساس مسئولیت و تکلیف کرده به این موضوع ورود کند؟ قبلاً هم در چند دوره، مجلس طرح‌هایی را ناظر به اینکه معیارهای مندرج در اصل ۱۱۵ قانون اساسی را تبیین و تشریح کنیم، هم برای انتخاب‌کننده‌ها و هم برای انتخاب‌شونده‌ها، پیشنهاد داده بود. یکسری آسیب‌ها وجود داشت و اظهارنظر شورای نگهبان درباره اصل ۱۱۵ ناظر به مصوبات پیشین مجلس مطرح می‌کرد. این معضلات چه اموری بوده است؟ چه آسیب‌هایی وجود داشته که باعث شده مجلس الآن ورود کند؟ همه نظام‌های انتخاباتی دنیا را هم نگاه کنیم، یکی که می‌خواهد در مناصب حاکمیتی ورود کند یکسری معیارها و مشخصه‌هایی برای وی لحاظ می‌کنند. در اکثر قریب به‌اتفاق آن‌هایی که ادعای دموکراسی دارند و می‌گویند ما دموکراتیک‌ترین نظام‌های انتخاباتی را داریم، در نظام انتخابات آن‌ها محدودیت‌هایی در قالب شرایط می‌گذارند تا جایی که در یکسری مناصب شما حتی باید امضای ۵۰۰ نفر از اعضای حزب یا شخصیت‌های سیاسی را داشته باشید تا بتوانید متصدی شوید و این روال در همه قوانین کشورها وجود دارد. در قوانین مجلس، شورا، مجلس شورای خبرگان داریم؛ کسی که می‌خواهد خود را در معرض رأی مردم قرار دهد باید مشخصه‌هایی در وی احراز شود. این مشخصات چیست و چه کسی مشخصه‌ها را تعیین می‌کند؟ قانون اساسی این را بر عهده شورای نگهبان گذاشته و گفته است، تشخیص معیارهایی که در اصل ۱۱۵ آمده با شورای نگهبان است؛ اما از